

متن پرسش

سلام علیک و رضوانه: باز هم عذرخواهم از تصدیع وقتی که برای نوشته ی ناچیز این حقیر در این سایت از عزیزانی که مطالعه می کند. بحثی را با این عنوان احساس کردم که می توانم با شما در میان بگذارم.

«کربلا و هنر مواجهه با متعالی ترین حضور»

بسم الله الرحمن الرحيم. کربلا و هنر مواجهه با متعالی ترین حضور. افرادی که در کربلا کنار امام ایستادند و به شهادت رسیدند، از شیعیانی بودند که امامت را تنها حق علی (علیه السلام) و فرزندانش می دانستند. خود امام علیه السلام در موارد متعددی از مردم خواست تا حق را به اهلش بسپارد و او را یاری کنند؛ زیرا امویان غاصب این حق هستند. در موردی فرمود: ایها الناس انا ابن رسول الله و نحن اولی بولاية هذه الامور علیکم من هولاء المدعین ما لیس لهم (الفتوح ، ج ۵، ص ۱۳۷) تاریخ کربلا برای شیعه پرده هایی از تفکر و تدبیر است برای حضور در آینده ای که پیش روی خود دارد و جز با کربلا به آن فتح قدسی و آینده ی نزدیک تاریخی و فتح الفتوح انقلابی اش نمی رسد. کربلا و تقدیر توحیدی سیدالشهدا، ليله القدری است که شیعه برای درک حضور آن راهی جز فهم انتخاب و اراده ی حسین بن علی علیه السلام برای آینده ی تاریخی جبهه ی خود نمی شناسد آنگاه که فرمود: خرجت لطلب اصلاح امت جدی؛ این سخنی عادی از واعظ معروف شهر کوفه نیست که عده ای بگریند و عده ای شیون کنند و گروهی پای منبر سر تکان دهند! این نقشه ی تدبیر و تقدیری ای است که حسین علیه السلام برای نجات امت جدش و نجات امت از فسادى که توسط بنی امیه جامعه ی دینی امت رسول الله را گرفته است طراحی شده است. حسین علیه السلام می داند فساد اموی ریشه ها و بنیادهای نهضت رسول خدا را نشانه گرفته است و اگر در تاریخ کربلا وارد نشود بنی امیه فاتح احمقانه ترین روایت از اسلام خواهند بود و برای آنکه از حضور تاریخی بنی امیه جلوگیری کنند دست به خلق تاریخ قدسی کربلا زدند و تاریخ را به حضور در نهضت رسول الله بازگرداندند و با خون خود تثبیت کردند. حضور در تاریخ کربلا اسلام را از خطر غفلت اموی و ترور شخصیت اسلام نجات داد و حسین علیه السلام متوجه این حضر گسترده ی خطرناک اسلام معاویه ای شد و دست به کار خلق حماسه ی تاریخی شد که انسان ها را در بودن اصیل و حقیقی خودشان در عین نفی خود خواهی به آزادی اصیل انسانی بکشاند «ان لم تکن دینا فکونوا احرارا فی دنیاکم» پیام تاریخی کربلا در وسعت عالم انسانی انسان انشا شده است و نه در محدوده ی تاریخی و جغرافیایی انسان ها! پیام کربلا مخاطب اش وسعت و فراخنای تاریخ گم گشتگی و سردرگمی انسان های آزاده ای است که به فکر فتوح تاریخی

انسان می گردند و بدنبال راه چاره ای برای آزادی از تن خواهی ها و خود خواهی ها و دل خواهی های تاریخی که در آن قرار دارند و این جاست که پیام کربلا، جهان و عالم انسان ها را در بر می گیرد «السلام علی باب النجاة الامة». امروز تاریخ باز هم با ریشه های جریان اموی منجر به سرگردانی و بیهودگی و سردرگمی بشر امروز شده است و انسان ها در جستجوی آزادی تن به محدودیت و جبر بی سابقه ی عالم مدرن و تنگ نظری وسعت افق آزادی انسان داده اند و به دنبال آزادی عرضی انسان می گردند. آزادی هایی که انسان را قید می زند و به اطلاق انسان حد می زند و هیچ گاه مثل این تاریخ بشر محتاج به فریادها و رجزهای تاریخی کربلا نبوده است! چرا که سخن کربلا سخن تاریخ انسانی است که خود را در اصیل ترین و جاودانه ترین و آزادانه ترین بودن ها و انتخاب ها قرار می دهد و از تقید و تحدید اسارت و بندگی تاریخ وهم آلوده ی عصر حیرانی بشر نجات می بخشد. پس سلام بر باب نجات امت و سلام بر حسین و سلام بر یاران حسین علیه السلام. امروز بشر بیش از هر روز دیگری سرگشته و حیران تاریخی است که در آن قرار دارد و در یاس از آینده ای که نمی داند چه خواهد شد! و در جستجوی حقیقت و آینده ی روشنی می گردد تا خود را از این کلافگی پوچی که او را در برگرفته رها شود و سخت بدنبال آرامش از دست رفته ای است که قرار بود در غایت عالم مدرن آن را بیابد اما افسوس که غایت تاریخ مدرن در فاعلیتی نازا از تاریخ قرار گرفت و عملاً تاریخ مدرن نازا بود و آدمی دل به تاریخی سپرد که اگر هم می خواست نمی توانست ماوای انس بشر آخرالزمانی بشود! درست در این شرایط تاریخ بشر است که تاریخ توحیدی کربلا و اربعین در صفحه تاریخ راهی در میان راه ها و افقی از پس تاریکی ها و منظره ای در پی منظره ها و حقیقتی در برابر وهم ها مقابل انسان قرار می گیرد تا ماوای انس و حضور انسان شود! اگر از من بپرسید آیا تا کنون این حضور تاریخی موفق بوده است؟ می گویم آری و صد البته که بوده است و نشان گشودگی آن انقلاب اسلامی ایران، جنگ ۸ ساله، مدافعان حرم، و حاج قاسم ها و نوید ها و بشارت هایی که در پیش است. چرا آن افق گشوده ی تاریخی که بشر زمین گیر شده ی تاریخ و جوان سردرگم و افسره ی این عصر را نجات می دهد و او را در برترین حضور از بودن حاضر می کند و از خود بیگانگی و بردگی عالم نازای مدرن رها می کند را فریاد نزنیم و نشان ندهیم؟! یعنی زبانی نیست که دلسوزانه این افق را در برابر کاخ تاریخ کفر امروز رسوا کند؟ اگر خوب این حضور و این میدان فهم شود تبلیغ و تبیین جای خودش را باز می کند چرا که تبلیغ و تبیین فرع بر فهم آن است که امروز در کجایت تاریخ بشر ایستاده ایم و باید چه چیزی را فریاد بزنیم و باید چه افقی را پیش روی جوان امروز قرار دهیم و با چه زبانی از بن بست تاریخ فردای انسان گفتگو کنیم تا در محاصره ی روایت غالب رسانه ای جهان مدرن دچار لکنت زبان نشویم و از هوچی گری های جبهه ی مقابل نهراسیم چرا که وقتی حق با ماست دیگر ترس معنا ندارد. و وقتی زبان ما زبان حقیقت است و گوش ها آماده ی صدای حقیقت شده اند نگرانی بی معناست. فقط باید منتظر بود تا انسان در امیدهای آخرش به تاریخ امروزی خود پشت کند آنگاه در برابر تاریخی قرار می گیرد که ادامه ی تاریخ کربلاست و حضوری را می چشد که حضور قاسم ها و

محسن ها و حسین ها و ابراهیم ها و مهدی هاست. پس روایت ما از کربلا آنگاه روایت خواهد بود که نه فقط حادثه ای غم انگیز و نه صرفاً تحلیلی در تاریخ دوران اموی و نه محصور و محدود به شیعه بلکه روایت کربلا، ابر روایتی است که نظم تاریخی جدید برای بشر فردای ماست و ما باید راوی اینچنین حضوری برای انسان باشیم آنچنان که زینب سلام الله علیها بود. خطبه های آتشین و غیورانه و جسورانه ی زینب خبر از فردایی داشت که مان جا روایت پیروزی یزیدیان را به عزای فردای خودشان مبدل کرد (رجوع شود به خطبه هایی که حضرت در مجلس این زیاد و یزید) در قسمتی از این خطبه ی آتشین از یک زن از این نهضت را ببینید که چگونه کربلا را ترسیم می کند. یزید که سرمست از باده غرور بود و گمان می کرد در کربلا پیروز شده، این اشعار را که سند زنده دیگری بر عدم ایمان او و آل امیه، نسبت به مبانی اسلام بود، با صدای بلند خواند «لَيْتَ أَشْيَاخِي يَبْدُرُ شَهْدُوا *** جَزَعُ الْخَزْرَجِ مِنْ وَفْعِ الْأَسَلِ فَاهْلُوا وَ اسْتَهْلُوا فَرَحًا *** ثُمَّ قَالُوا يَا يَزِيدُ لَا تَسْلُ لَسْتُ مِنْ خِنْدَفٍ إِنْ لَمْ أَنْتَقِم *** مِنْ بَنِي أَحْمَدَ، مَا كَانَ فَعَلٌ» (کاش بزرگان من که در جنگ بدر، کشته شده بودند، امروز می دیدند که قبیله خزرج چگونه از ضربات نیزه به زاری آمده است. در آن حال، از شادی فریاد می زدند و می گفتند: ای یزید! دستت درد نکند! من از فرزندان «خندف» نیستم، اگر از فرزندان احمد [رسول خدا(صلی الله علیه وآله)] انتقام نگیرم). اینجا بود که زینب دختر علی بن ابی طالب (علیه السلام) برخاست و خطبه ای غرّ خواند و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، صَدَقَ اللَّهُ كَذَلِكَ يَقُولُ: ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَآفَاقَ السَّمَاءِ، فَاصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تَسَاقُ الْأَسَارَى أَنْ بِنَا عَلَى اللَّهِ هَوَانًا، وَبِكَ عَلَيْهِ كِرَامَةً وَأَنَّ ذَلِكَ لِعِظَمِ خَطَرِكَ عِنْدَهُ، فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ، وَنَظَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانَ مَسْرُورًا حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا لَكَ مُسْتَوْثِقَةً وَالْأُمُورَ مُتَسِفَّةً وَحِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وَسُلْطَانُنَا، فَمَهْلًا مَهْلًا، أَنْسَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: وَ لَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمَّا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَّا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر فرستاده خدا و بر خاندانش باد. خداوند راست گفت، آنجا که فرمود: «عاقبت آنان که اعمال بد مرتکب شدند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به سخره گرفتند». ای یزید! آیا اکنون که زمین و آسمان را [از جهات گوناگون] بر ما تنگ کردی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی، می پنداری ما به نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی می باشی؟ و تصور کردی این نشانه قدر و منزلت تو در نزد خداست؟ از این رو، باد غرور به بینی انداخته و به خود بالیدی و خرم و شادمان شدی از اینکه دیدی دنیا در کمند تو در آمده و امور تو سامان یافته و مُلک و خلافت ما در اختیار تو قرار گرفته؛ پس کمی آهسته تر! آیا سخن خداوند را فراموش کردی که فرمود: «آنها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند] تصوّر نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است. ما به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها عذاب خوار کننده ای [آماده شده] است. و دوباره و باز هم دوباره باید به این تاریخ رجوع کنیم تا حیاتی را که زینب سلام الله علیها از دل حیات پر فتوح کربلا فریاد می کند

را بشنویم و بنوشیم و بنوشانیم تا کربلا، کربلا شود و انسان، انسان. التماس دعا. موفق باشید به حکمت و نور حسینی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه حرف در آن است که هر اندازه به آخرالزمان و برهوت ظلمانی آن نزدیک شویم، باز این کربلا و حضرت اباعبدالله «علیه السلام» است که به میان می‌آیند تا با ایمانی زنده‌تر از یزیدی عبور کنیم، همان‌طور که در تاریخ معاصر نیز از طریق کربلا ما از طاغوت شاهنشاهی عبور کردیم. ولی البته و صد البته به من بگویند برای فردایی که برهوت بی‌ایمانی با گستردگی بیشتر به میان می‌آید ما با کدام ایمان و با کدام کربلا می‌توانیم تاریخی را به عمق مقابله با ظلمات آخرالزمانی به میان آوریم. آنچه امروز از کربلا می‌گوییم و خوب هم می‌گوییم؛ کمکی است تا ایمان امروزینمان را به نور کربلا تجربه کنیم. چه خوب است که سخنرانان عزیز ما متوجه باشند برهوتی در پیش است و رهبر معظم انقلاب در سخنان‌شان با طلاب و مبلغین سراسر کشور، متذکر امر مخاطب‌شناسی شدند مثل آن‌که متذکر تبلیغ پیشگیرانه و آینده نگر یا تبلیغ مخاطب محور و بویژه جوان و نوجوان محور یا تبلیغ معطوف به درمان ریشه های فساد و استکبار شدند. و این‌جا است که به گفته شما اگر تاریخ کربلا نشویم که انسان در نسبت با آن تاریخ به اصیل‌ترین ابعاد خود نزدیک می‌شود؛ عملاً امروزمان، صدای حقیقت را نمی‌شنویم و از ابر روایتی که کمک می‌کند تا بشریت، فردای خود را زنده نگه دارد غفلت خواهیم کرد. موفق باشید